

## سلسله نشست های مسائل فقهی - حقوقی موضوع شناسی و بررسی فقهی تروریسم

نوع مقاله : مقاله پژوهشی

## — اصل مقاله

## فلسفه فقه

این نشست از سوی گروه پژوهشی مسائل فقهی حقوقی پژوهشکده فقه و حقوق با همکاری دفتر جنبش نرم افزاری در تاریخ 28/8/88 با شرکت اساتید محترم حجج الاسلام و المسلمین دکتر داود فیروزی و سیدمحمد نجفی در سالن همایش های پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد و اساتید مدعو به ارائه دیدگاه های خود پرداختند. دبیری این نشست را فاضل ارجمند جناب آقای عبدالمجید مبلغی بر عهده داشتند. روشن است دیدگاه های ارائه شده لزوماً دیدگاه برگزار کنندگان نشست نمی باشد.

عبدالمجید مبلغی (دبیر علمی نشست):

ضمن تشکر از حجج اسلام آقایان دکتر فیروزی و نجفی که دعوت ما را برای شرکت در این جلسه پذیرفتند، موضوع نشست (موضوع شناسی و بررسی فقهی تروریسم) است. این بحث از جهت اهمیت مطالعه، موضوع شناسی، نسبت سنجی تروریسم با واژه هایی مثل مقاومت مسلحانه و عملیات استشهادی بحث های مفصلی را می طلبد. همچنین پرداختن به ابعاد فقهی مسئله و یافتن پاسخ های مناسب فقهی از جمله مطالبی است که نشست های علمی و تدوین تحقیقات را در این موضوع می طلبد. در ادامه از اساتید مدعو می خواهیم که دیدگاه های خود را درباره موضوع بحث مطرح نمایند.

حجة الاسلام والمسلمین دکتر فیروزی:

مفهوم تروریسم و شاخص های تروریسم و انطباق آن با عناوین فقهی مباحث قابل ارائه اند. در مفهوم شناسی می توان از تعریف یا بررسی مصادیق شروع کرد. هر یک از این دو راه هم مشکلاتی دارد. شروع از مفاهیم تحقیق را انتزاعی می کند و آغاز کردن از مصادیق، مفهوم را ناشناخته باقی می گذارد.

در مواجهه با تروریسم و تعریف آن با چند مشکل مواجهیم:

1. تنوع مصادیق؛
  2. پیوند تعریف با ارزش های سیاسی که هر جامعه ای مصداق خاصی را مطرود یا مقبول می داند؛
  3. پیوند تروریسم با ارزش های اعتقادی و ایدئولوژیک هم با این مشکل مواجه است که جوامع شرطی را می گذارند تا موردی را استثنای مصداق بدانند؛
  4. انقلاب، جنگ، کودتا، مبارزه ضد استعماری و واژه هایی از این دست با مفهوم تروریسم مختلط می گردد. معمولاً مؤسسات ملی به ترور نگاه متفاوتی دارند و تعاریف هم متعدد شده است.
- با این همه محققان در موضوع تروریسم شناسی مشخصاتی را در نظر گرفته و تعاریفی ارائه داده اند. اشمید در تعریفی طولانی ترکیبی از 109 تعریف را در چندین پاراگراف آورده است. در این تعریف ایشان مشخصات زیر را برای تروریسم در نظر می گیرند:
1. وجود خشونت (که غالباً از آن به خشونت غیر معمول یا غیر قانونی یاد می شود)؛
  2. تکرار عمل که عمل یکبار رخ داده بدون قاعده را تروریسم نمی دانند؛
  3. اقدام سازمان یافته که سازمان اصل است و می تواند ترکیبی از سه نفر یا بیشتر باشد؛
  4. وجود تهدید به این معنا که بعد از تهدید رخ می دهد و ترور از ضمانت اجراهای تهدید است؛
  5. ترور قربانیان انسانی را هدف قرار می دهد گرچه برخی انسان و مال را در تعریف آورده اند؛
  6. هویت قربانیان برای تروریسم مهم نیست ولی در منازعات شخصی شناخت قربانی مهم است. در تروریسم هویت فردی مهم نیست و ابزاری برای انتقال تروریسم است. قربانیان با محاسبه انتخاب می شوند ولی خود قربانی مهم نیست؛
  7. ترور همراه با محاسبه است و تأکید بر هدف سیاسی وجود دارد. تروریسم هم جرم سیاسی تلقی می شود؛
  8. تلاش برای عمومی کردن ترس و وحشت و خواص را الزاماً در نظر ندارد؛
  9. بهره گیری از موقعیت که شبیه دیگر جرایم است؛
  10. غلبه قربانیان غیر نظامی که تروریسم در وضعیت صلح مصداق پیدا می کند نه در حین جنگ (در زمان جنگ به آن ترور اطلاق نمی شود).

همچنین تروریسم را به داخلی و بین المللی تقسیم می کنند. در بین المللی عناصر فوق وجود دارد. به اضافه وجود قربانیان چند ملیتی یا گروگان گیری و ترور کادرهای سیاسی.

در بحث بعد امکان ترجمه تروریسم به مباحث فقهی را مطرح خواهیم کرد.

حجة الاسلام والمسلمین نجفی:

من به حکم فقهی می پردازم. غرض ما صرفاً تحلیل مسئله است و نه ارائه نظر فقهی. دیگر اینکه این بحث علمی است و نه سیاسی. همچنین با معیارهای فقهی رایج حوزوی به آن می پردازیم. غرب در تلاش است واژه های خاص را ساخته و به جوامع دیگر حسن و قبح آن را تزریق کند تا از اصل آن نتوان بحث کرد. بحث های ما بدون توجه به این جوسازی هاست. البته به سوء استفاده ها هم توجه داشت که باز هم در اثبات مطرح است و نه ثبوت که در مقام ثبوت باید بدون توجه به این مسائل بحث مطرح شود. نیز عواطف را نباید در بحث علمی دخالت داد؛ هم شدیدالعقاب جا دارد و هم غفور رحیم بودن. در بحث فقهی ترور، مقدماتی را باید در نظر گرفت:

1. اصل اولی در مورد انسان ها به حکم قرآن و سنت، احترام است. عقل هم چنین حکمی دارد و ضرر به دیگران بدون مجوز روا نیست. بحث ما در موارد جواز است که وجود دارد یا نه؛
2. در اسلام غدر حرام است حتی در جنگ. غدر یعنی پیمان شکنی که مصادیق متفاوت دارد. سفرا را وقتی تحت تعهد به کشور آوردیم، پیمان شکنی حتی درباره مشرکین حرام است؛
3. در شریعت اسلام، اضطراب از اسباب جواز است. (لیس شیء مما حرم الله الا وقد احله الله لمن اضطر اليه). 1 حلال شدن مجرمات به سبب اکراه و اضطراب را همه فقها پذیرفته اند. در اضطراب (دم) استثنا شده است، ولی همین دم در مورد غیر مسلمان جای بحث دارد. اگر مسلمانی برای نجات جان خود نیاز به گروگان گیری کافر داشت، از نظر فقهی می تواند جایز باشد؛
4. حفظ وجهه اسلام اصلی است حاکم بر ادله حتی ادله ثانویه. در حکومت اسلامی هر آنچه وهن تلقی شود، حرام است، هر چند فی نفسه واجب باشد. حفظ نظام بر اصل نماز هم تقدم دارد؛
5. مفهوم ترور دارای سه معناست:

ییکم. به لحاظ لغوی که عبارت است از وحشت؛

دوم. به لحاظ عرفی آن را عبارت از حملات ناگهانی می دانیم؛

- سوم. معنای اصطلاحی که به تعریف مدون و مشخصی نمی توان دست یافت: چون دنبال واقعیت نیستیم و معنای اصطلاحی امری قراردادی است. در قرارداد، هرکس می تواند تعریف دیگری ارائه دهد. 109 تعریف آورده اند و کسی هم آنها را جمع کرده که حاکی از نرسیدن به نقطه مشخص است. قیود ده گانه ای که ذکر شد چه مستند و محل اتفافی دارد؟ معیار این قیود چیست؟
6. ترور از مفاهیمی است که قبح ذاتی ندارد؛ قبح آن به وجوه و اعتبار است. مثل کذب که همیشه مذموم نیست. بنابراین ترور می تواند هم مفهوم خوب داشته باشد و هم بد.

حجة الاسلام والمسلمین فیروزی:

موضوع شناسی امری دین نیست و باید فرادینی بحث کرد. در مصداق شناسی سراغ آمار می رویم و از کسر و انکسار آنها به مخرج مشترک می رسیم که همان تعریف است. ابتدا باید موضوع را شناخت. آن گاه سراغ اعتقادات رفت. بنابراین موضوع شناسی به کافر و مسلمان بودن محقق ربطی ندارد.

پرسش هم راجع به موضوع مطرح می شود و بدون شناخت نمی توان سراغ حکم رفت. در دستگاه فقهی، مسائل جدید را باید ترجمه کنیم و ترجمه هم دارای قاعده است نه اینکه دست مترجم باشد. در ترجمه مهم جست و جوی مفاهیم نزدیک به ترور در ادبیات فقهی است. ممکن است تعمیم یک عنوان بر ترور خطاب باشد. ممکن است ترور را به حد تعریف نکنیم، ولی تعریف به رسم هم مهم است. باید دید فقهای شیعه از ترور چه برداشتی دارند تا آن را تحلیل کرد. بیش از 2500 ترور در همین اواخر در دنیا رخ داده است. بنابراین باید موضوع شناسی دقیق باشد.

اهل سنت هم در تعریف ترور سردر گمند. عرب ها گاه آن را به (الارهابیه) ترجمه کرده و (فقه الارهاب) را با ارجاع به آیات قرآن و فقه موجود مطرح کرده اند. در اینجا درست است که ارهاب از (رهب) گرفته شده و به معنای ترس است. ریه ترور هم به معنای ترس است. ولی در واقع، ترس اعم از ترور است و جنس ترس در ترور با جنس ترس در جاهای دیگر تفاوت دارد. (ترهبون به عدوالله) یعنی آمادگی نظامی ایجاد ترس می کند ولی به آن تروریسم نمی گوئیم. (الذین هم لربهم یرهبون) هم از ترس خداست نه به معنای ترس از مسلمانان. بنابراین (فارهبون) هم به معنای ارهاب نیست. بنابراین ارجاع (ارهاب) به متون دینی غلط است. همچنین بحثی داریم تحت عنوان (فتک) که به معنای یورش دفعی است ولی در ترور با وجود یورش دفعی، اعدام های قبلی هم هست. در فتک فرد مورد تهاجم از واقع بی اطلاع است ولی در ترور از اصل حمله مطلع است فقط کم و کیف آن را نمی داند. (اغتیال) در فقه هم یعنی کسی به جایی کشانده شده و مورد تهاجم قرار گیرد ولی در ترور این گونه نیست. محاربه نیز در فقه آمده و قوانین ما آن را به ترور تطبیق داده اند. محاربه یعنی کسی که برای ترساندن سلاح حمل کند. ولی تروریست سلاح ندارد جز در موقع ارتکاب که البته خودش هم کشته می شود.

در ترور، اخافه به دلیل داشتن سلاح نیست ولی در محاربه ترس از حمل سلاح برمی خیزد. بنابراین سرایت ترور به عناوین دیگر موجب خلط می شود و ما نیاز به واژه شناسی دقیق ترور داریم که آن را از مفاهیم مشابه در فقه جدا سازد.

همچنین در فقه شیعه مجوزی برای کشتار غیرمسلمانان نداریم. هر چند اهل سنت چنین مطالبی آورده اند. حجة الاسلام والمسلمین نجفی:

با نامشخص بودن مفهوم نمی توان گفت محاربه ترور نیست. موضوع با چه معیاری مشخص می شود؟ وقتی سخن از اصطلاح است و نه حقیقت خارجی نمی توان گفت فتک و محاربه داخل در بحث نیست. ترور به معنای ارتباب هم برای تناسب لغوی است و چنان که معنای اصطلاح ترور مراد است نه لغوی. در ارباب هم اصطلاح مراد است و استناد به آیات برای ریشه یابی است. بنابراین مراد از ارباب، مطلق ترساندن نیست. فتک هم اگر غیر از ترور باشد، روایات را چگونه باید تفسیر کرد؟ ترور اخص از فتک است و وقتی فتک منع شد، خاص هم منع می شود.

پس ابتدا باید مفهوم مشخص شود تا معلوم گردد چه چیزی داخل و چه چیزی خارج است. به اعتقاد من، مفهوم ترور مجمل است و باید سراغ مصادیق رفت.

در کشتن ناگهانی دو فرض داریم:

بیکم. فرد مستحق مرگ است.

دوم. چنین استحقاقی ندارد.

خون محارب هدر است ولی سؤال این است که به نحو ترور می توان کشت یا باید محاکمه شود و سپس کشته گردد. بحث در کیفیت کشتن است.

به اعتقاد من فی الجمله می توان محارب را به نحو ترور کشت و روایات متعددی آن را تأیید می کند. در صحیح محمد بن مسلم آمده است: شخصی پیامبر را سب می کرد و حضرت کسی را خواست که وی را از بین ببرد تا اینکه می گوید (فضر با عنقه). راوی می پرسد اگر الان هم کسی سب پیامبر کرد کشته می شود. حضرت می فرماید: اگر بر جان خود ترس نداری می توانی اقدام کنی. 2. بنابراین فی الجمله می توان سب انبیا را بدون محاکمه و اذن حکومت کشت.

نیز در صحیح داود بن فرقد درباره کشتن ناصبی آمده است: (حلال الدم ولکنی اتقی علیک فان قدرت ان تقلب علیه حائماً او تفرقه فی ماء لکیلاً یشهد به علیک فافعل) 3... اگر کسی به اهل بیت جسارت کرد، اگر مرتکب خائف نباشد می تواند اقدام کند. چه مشمول تعریف ترور بشود و چه نه.

طبق برخی روایات امام هادی (ع) خون فارس را حلال شمرد و خواست کسی او را به قتل برساند. روزی فارس از مسجد خارج می شد که کسی او را کشت. این ماجرا ممکن است ترور تلقی شود و حکم آن جواز است.

حجة الاسلام والمسلمین فیرحی:

سخن های مطرح شده، بحث از مفهوم شناسی را جدی تر می سازد. ترور با سب کار ندارد. مسئله ای سیاسی است. در ترور بین مرتکب و جان باختگان رابطه ای نیست. در آن بحث مسئله متوجه سب است.

مهدور الدم بودن سب، مسئله خاصی است. قاعده آن است که ترورها صورت می گیرد و حتی فرد خودش کشته می شود ولی اطرافیان او را دستگیر و مجازات می کنند. بنابراین احکام سب و موارد دیگر با مسئله ترور تفاوت اساسی دارد. سب تخصصاً از ترور خارج است و مسئله ای اعتقادی است. حادثه یازدهم سپتامبر مسئله ای سیاسی است. شیعه در دوره غیبت درباره جهاد ابتدایی نظر خاص دارد. ممکن است ترور جنبه مذهبی داشته باشد. جنبه اعتقادی ندارد. تروریسم ها می خواهند عده ای را بکشند ولی فرد خاص را به عنوان کسی که مهدور الدم باشد در نظر ندارند.

اساساً استثناهایی مثل سب را مصداق ترور نمی دانند. جز رهبران سیاسی که تعدادشان کم است و آن هم نه به خاطر شخص بلکه به خاطر موقعیت، افراد خاصی مدنظر تروریسم نیست. فرد عادی کشته می شود تا اهداف سیاسی سیاست مداری تأمین شود و اینها در جامعه ایجاد ترس می کنند تا تصمیم سیاسی عوض شود.

حجة الاسلام والمسلمین نجفی:

غافل گیرانه کشتن در فقه دوگونه است:

بیکم. فرد مستحق اعدام نباشد.

دوم. شخص مستحق اعدام باشد که در این صورت به رغم اصل احترام به انسان ها از این اصل خارج شده و فی الجمله در مواردی روا می دانیم. کشته شدن محارب اطلاق دارد و نیازی به اعلام قبلی نیست. (اذا دخل علیک لص المحارب فاقتله). مطلق است و نیازی به اخطار دادن ندارد.

البته اطلاق برخی ادله مشکل است.

آنچه اتفاق می افتد این است که شخص برای حفظ خود، جان دیگران را به خطر می اندازد و اعم از آن است که سیاسی باشد یا غیر سیاسی. فقط باید مصادیق را به لحاظ فقهی بررسی کرد و نه اینکه به مفهوم پرداخت. وقتی حکم قضیه به لحاظ فقهی روشن شد، طبق آن می توان عمل کرد. چه آن را تروریسم بنامند یا نه. انفجار انبار مهمات دشمن عملیاتی تروریستی است ولی می توان بر اساس مبانی فقهی مرکتب آن شد.

حجة الاسلام والمسلمین فیرحی:

تعاریف از جمع و تفریق واقعیات خارجی به دست می آید. مشخصاتی را برای ترور برشمردیم که می تواند مفهوم ترور را مشخص سازد. وقتی عناصر ترور به دست آمد، ممکن است در انطباق بر موردی تردید باشد.

در ادبیات سیاسی می گویند حاکم وقتی حکم می کند، به دلیلی ممکن است خطا کند و به همین سبب نمی توان او را مشخص مجازات کرد. در این زمینه ها شخص مهم نیست، بنابراین به سمت شخص مجرم نباید رفت.

نتیجه

دبیر علمی: بحث تروریسم با دو دیدگاه مواجه است: یک دیدگاه بر موضوع شناسی دقیق مسئله بر اساس پژوهش های انجام گرفته در این حوزه تأکید دارد و توجه به دیدگاه ها را در موضوع شناسی لازم می داند. در حالی که دیدگاه مقابل بر بررسی احکام فقهی موضوعات مشابه و متداخل تأکید دارد و معتقد است با بررسی متون فقهی و بدون نیاز به تعریف تروریسم می توان به احکام فقهی و دیدگاه شرع در این زمینه دست یافت.

از آنجا که نشست فعلی آغازی بر این مباحث است، پرداختن به همه ابعاد و به چالش کشیدن دیدگاه ها فرصت مناسب دیگری را می طلبد.

1. حر عاملی وسائل الشیعه، ج 4 ص 373.

2. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 28 ص 213.

3. علل الشرایع، ج 2 ص 601.

دوره 16، شماره 62 - شماره پیاپی 62

دی 1388

صفحه 220-212



فایل ها

XML

[🔍 سابقه مقاله](#)

[👤 اشتراک گذاری](#)

[📄 ارجاع به این مقاله](#)

[📊 آمار](#)

تعداد مشاهده مقاله: 533